



آزیر خطر در غرب آسیا

جنگ احتمالی اسرائیل و حزب الله چه آثاری برای ایران و خاورمیانه خواهد داشت؟

یک جهان تهدید

دولت آینده در چه شرایطی کار خود را آغاز خواهد کرد؟



محمدحسین لطف‌اللهی
روزنامه‌نگار

دولت سیزدهم در حالی آخرین روزهای کاری خود را سپری می‌کند که مقام‌های ارشد دولتی ادعا می‌کنند در این دوره توانسته‌اند «معادلات قدرت را در دنیا جابه‌جا کرده» و روابط خارجی ایران را «احیا کنند و ارتقا دهند». برای فهم نسبت این ادعاها با واقعیت، باید دید رئیس‌جمهور جدید فارغ از اینکه از چه جریانی است و چه دیدگاهی دارد، در اولین روز حضور خود در پاستور با چه چالش‌ها و بحران‌هایی روبه‌رو است و باید به چه مشکلاتی رسیدگی کند. طی سال‌های اخیر روابط ایران با غرب با عقب‌گردی وحشتناک همراه بوده؛ حجم تجارت ایران با اتحادیه اروپا که در سال‌های اجرای برجام به رکورد ۲۰ میلیارد یورو رسیده بود، در پایان سال ۲۰۲۳ به ۴/۷ میلیارد یورو رسید. هم‌زمان، در حوزه سیاسی، به‌رغم اینکه کشورهای اروپایی تا پایان دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا در برابر تلاش‌های واشنگتن برای منزوی سازی ایران و استفاده از نهادهای بین‌المللی برای افزایش فشارها بر تهران می‌ایستادند، امروز در مواردی سختگیرانه‌تر از آمریکا عمل می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود در آینده نزدیک اقدامات شدیدتری علیه ایران در دستور کار قرار گیرد. در زمینه روابط با اروپا یکی از مهم‌ترین موضوعات، جنگ اوکراین است. غرب، ایران را متهم می‌کند که با ارسال پهپاد به روسیه از تجاوز نظامی مسکو به اوکراین حمایت کرده است. حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه پیشین ایران در گفت‌وگویی با خبرنگاران اصل ارسال پهپاد را تأیید کرده بود اما هم‌زمان تأکید داشت این اتفاق پیش از شروع جنگ اوکراین و در تعداد بسیار اندک رخ داده است. این اتهام اکنون مانع جدی بر سر احیای روابط با اروپاست. روابط با چین و روسیه به شدت نامتوازن است. ایران در حالی که در مواجهه با تحریم‌های غرب، گزینه‌های زیادی برای همکاری به‌ویژه در حوزه اقتصادی ندارد، خود را در شرایطی یافته که از یک سو ناگزیر است منابع حیاتی خود نظیر نفت را با قیمتی بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی به چین بفروشد و از سوی دیگر قادر به دریافت کامل پول خود به صورت ارز نیست. هم‌زمان پکن نهنتها سرمایه‌گذاری قابل توجهی در ایران ندارد، بلکه روابط خود را با همسایگان در اولویت قرار داده و در موضوعاتی نظیر جزایر سه‌گانه با موضع امارات که زیر سوال بردن تمامیت ارضی ایران است، همراهی می‌کند. مسکو نیز ضمن نادیده گرفتن تمامیت ارضی ایران در موضوع جزایر سه‌گانه، به‌رغم کمک‌هایی که در دو سال اخیر از ایران دریافت کرد، عملکرد بسیار ضعیفی در اجرای تعهدات مانند تعهداتش در نیروگاه بوشهر داشته و خواسته‌های ایران در عرصه نظامی هم تحقق نیافته است. روس‌ها در منطقه قفقاز نیز موضعی نزدیک به آذربایجان اتخاذ کرده و این احتمال وجود دارد که در بلندمدت به باکو در مسیر دستیابی به اهداف خطرناکی مانند ساخت کریدور زنگرور کمک کنند. همچنان و پس از بیش از دو دهه، یکی از مهم‌ترین پرونده‌های سیاست خارجی ایران پرونده هسته‌ای است که ارتباطی مستقیم با موضوع تحریم‌ها دارد. روند اقدامات کشورهای درگیر در این پرونده یعنی تروئیکای اروپایی (آلمان، انگلیس، فرانسه و ایالات متحده) و قطعنامه‌های شورای حکام نشان می‌دهد که احتمال حرکت این کشورها در سال دهم برجام به سوی استفاده از مکانیسم ماشه - که به معنای بازگشت قطعنامه‌های سازمان ملل متحد علیه ایران (قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ - ۱۸۳۵ - ۱۹۲۹) است - وجود دارد. تصویر ساخته‌شده از ایران در میان افکار عمومی سایر کشورها نیز اصلاً مناسب نیست. براساس نظرسنجی کینگز کالج لندن که با مشارکت بیش از ۲۳ هزار نفر در ۲۱ کشور جهان انجام شده، فقط ۸ درصد مردم در این ۲۱ کشور اروپایی، آسیایی و آمریکایی معتقدند ایران از نفوذ خود در مسیر درست استفاده می‌کند و در مقابل ۳۷ درصد معتقدند ایران نفوذ خود را برای موارد منفی به کار می‌گیرد. مجموعه این شواهد بیانگر آن است که آنچه امروز پیش روی سیاست خارجی کشور قرار دارد نه «یک جهان فرصت» بلکه مجموعه‌ای از تهدیدهای فوری، تهدیدهای بلندمدت و فرصت‌های بالقوه است. اگر دولت جدید از نخستین روز شروع به کار خود، بر روی رفع این تهدیدهای فوری و بلندمدت و جلوگیری از تبدیل فرصت‌های بالقوه به تهدید متمرکز نباشد، آنچه اتفاق خواهد افتاد نه‌فقط شکست در عرصه سیاست خارجی بلکه شکست در بسیاری از زمینه‌ها از جمله اقتصاد خواهد بود.



شهاب شهسواری
خبرنگار گروه دیپلماسی

تحولات خاورمیانه

در طول ۹ ماه گذشته، از زمان آغاز جنگ غزه، درگیری میان اسرائیل و حزب الله لبنان در مرزهای جنوبی لبنان روزبه‌روز گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود. براساس آمار در طول ۲۷۰ روز گذشته، نزدیک به ۷۵۰۰ عملیات نظامی از سوی اسرائیل، حزب الله لبنان و دیگر گروه‌های مسلح لبنانی در مرزهای جنوبی لبنان انجام شده است. در طول هفته‌های اخیر سطح تهدید هر دو طرف به مراتب افزایش پیدا کرده و نگرانی از یک جنگ تمام‌عیار میان حزب الله لبنان و اسرائیل به یک مسئله جدی تبدیل شده است. بسیاری از تحلیل‌گران و ناظران بر این عقیده هستند که تجاوز نظامی اسرائیل به جنوب لبنان، می‌تواند آغازگر یک جنگ فراگیر در منطقه خاورمیانه باشد که پای ایران را هم در حمایت از حزب الله لبنان به میان می‌کشد و عملاً جنگ غزه را به سراسر منطقه غرب آسیا گسترش می‌دهد و به تبع ایران، آمریکا نیز در حمایت از اسرائیل وارد منازعه فراگیر می‌شود. در شرایطی که پس از ۹ ماه از آغاز جنگ غزه نزدیک به ۲۸ هزار نفر از شهروندان غزه کشته و صدها هزار نفر آواره شده‌اند و بسیاری از شهروندان غزه از مشکلات ناشی از فقدان غذا، دارو و تجهیزات پزشکی رنج می‌برند، سرریز کردن جنگ به جبهه جدیدی در لبنان می‌تواند آسیب‌های این جنگ را بسیار گسترده‌تر کند و احتمال درگیر شدن کشورهای دیگر در این جنگ می‌تواند آسیب‌های بسیار زیادی را به منطقه وارد کند. حزب الله لبنان در تمام دوران رویارویی‌ها در ماه‌های گذشته گفته‌است که حملات خود را در حمایت از فلسطینیان نوار غزه انجام می‌دهد و در صورت

یکی از اهداف اعلام‌شده اسرائیل از گذشته عقب راندن حزب الله از مرزهای جنوبی لبنان تا آن سوی کرانه رود لیتانی در لبنان است. پس از جنگ ۳۳ روزه، اسرائیل عملاً دریافت که امکان از بین بردن کامل حزب الله از طریق یک رویارویی نظامی تمام‌عیار وجود ندارد، در نتیجه هدف اصلی خود را دور کردن حزب الله از مرزها قرار داد. اسرائیل در گذشته دو بار به لبنان حمله کرده است: یک بار در سال ۱۹۷۸ و یک بار در سال ۱۹۸۲ که در جنگ دوم تا پایتخت لبنان پیشروی کرد و به مدت ۱۸ سال بخش وسیعی از جنوب لبنان را تحت اشغال خود گرفت. حزب الله لبنان در دوران جنگ دوم و با هدف آزادسازی اراضی اشغالی جنوب لبنان با حمایت جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت و سال ۲۰۰۰ با عقب‌نشینی اسرائیل از خاک لبنان، این موفقیت را به‌عنوان دستاورد مقاومت خود جشن گرفت. ۶ سال بعد از عقب‌نشینی کامل اسرائیل از لبنان، بار دیگر جنگ دیگری میان دو طرف در گرفت که به جنگ ۳۳ روزه مشهور است. هرچند در جنگ ۳۳ روزه حزب الله نتوانست جلوی اسرائیل ایستادگی کند، اما بعدها سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب الله

با روایت میزان آسیب‌های انسانی و مادی که به جنوب لبنان وارد شد، تأکید کرد که اگر از نتیجه جنگ باخبر بود، هرگز اقدامی را که به آغاز جنگ منجر شد تأیید نمی‌کرد.

تا پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ منازعه حزب الله لبنان و اسرائیل از قواعد مشخصی پیروی می‌کرد. هر دو طرف پس از پایان جنگ ۳۳ روزه (۲۰۰۶) به استراتژی موازنه وحشت روی آورده و خطوط قرمز مشخصی برای درگیری با یکدیگر تعیین کرده بودند. حتی روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و پس از اعلام خبر هجوم نیروهای حماس به مناطق اطراف نوار غزه، حزب الله همچنان در چارچوب قواعد موازنه قبلی عمل کرد و در حمایت از نیروهای فلسطینی مزارع اشغالی شبعرا را که بخشی از خاک لبنان در اشغال اسرائیل محسوب می‌شود، هدف قرار داد. اما شرایط به سرعت تغییر کرد؛ با آغاز تهاجم نظامی اسرائیل به غزه، حزب الله نیز با کنار گذاشتن قواعد موازنه پیشین حملات راکتی به سرزمین‌های اشغالی فلسطین را آغاز کرد، در برابر اسرائیل هم حملات به خاک لبنان را شروع کرد. از آن زمان تاکنون دو طرف به‌صورت روزمره مواضع یکدیگر را در خاک لبنان و سرزمین‌های اشغالی فلسطین هدف قرار می‌دهند. براساس آمار پروژه داده‌های موقعیت‌ها و رویدادهای درگیری‌های مسلحانه (ACLEDA) از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) تا ۲۱ ژوئن ۲۰۲۴ (اول تیر ۱۴۰۳) دست‌کم ۷۴۰۰ مورد حمله نظامی از سوی دو طرف علیه یکدیگر انجام شده است. براساس این آمار اسرائیل مسئولیت ۸۳ درصد از حملات را بر عهده داشت که مجموعاً ۶۱۴۲ حمله با دست‌کم ۵۴۳ کشته در لبنان انجام داده است. حزب الله و دیگر گروه‌های لبنانی تاکنون ۱۲۵۸ حمله به سرزمین‌های فلسطینی انجام داده‌اند که بر اثر آن ۲۱ اسرائیلی کشته شدند. در عین حال نبردها در مرز اسرائیل و لبنان باعث شده است که اسرائیل روستاها و شهرک‌های اطراف مرز را از سکنه خالی کند و نزدیک به ۱۰۰ هزار اسرائیلی را از مناطق نزدیک مرز لبنان به نقاط دیگر در مناطق اشغالی فلسطین منتقل کند.

هرچند در روزهای ابتدایی نبرد عملیات دو طرف در روزهای نخست مناطق نزدیک به مرز را هدف قرار

